

چرا جهاد گری؟!

چند روز قبل شنیدیم که جنرال اسماعیل خان وزیر آب و برق دولت افغانستان رهسپار ولایت هرات گردیده و جمعی از " جهادگران" سابق را در رهايشگاه شخصی خویش در شهر هرات گرد آورد.

بر وفق گزارشهای منتشرشده، وی ضمن سخنرانی در برابر جهادی های زنده مانده ی هرات گفت : " جز شما کسی دیگری نمیتواند این مُلک را نجات دهد، بنابراین ، یکبار دیگر خودتان را آماده ی جهاد بسازید. "

مارشال محمد قسیم فهیم معاون اول ریاست جمهوری افغانستان نیز به مناسبت تجلیل از یازدهمین سال ترور احمد شاه مسعود در کابل گفت : " جهاد گران باید یکبار دیگر بسیج شوند "

عبدالرسول سیاف امیر حزب اتحاد اسلامی، یکی از رهبران جهادی سابق و وکیل در پارلمان افغانستان نیز در همین روز و در برابر جمعیت بزرگی اظهار داشت که : " اگر جهاد را از افغانستان حذف نمایید، شما دیگر چه چیزی در تاریخ افغانستان دارید؟ "

وی اضافه نمود : " کسانی که مجاهدین را جنگ سالار خطاب میکنند و آنها را متهم به خیانت و جنایت مینمایند، خودشان خاین و جنایتکار هستند و اینها در حقیقت با خدا و رسول او می جنگند " حال بگذارید اولاً بدانیم که واژه ی " جهاد " چیست و از کجا آمده و چه معنی دارد؟

جهاد، در واقع، واژه ی عربی است که به استناد فرهنگ معین ، " جنگیدن در راه حق، جنگ دینی و غزوه ی مسلمانان با کفار" را افاده میکند.

با در نظر داشت سوابق جهاد در افغانستان باید گفت که اعلان جهاد از سوی پادشاه مملکت و یا روحانیون متنفاذ در حالی صورت گرفته که قشون بیگانه بخاک اجدادی ما تجاوز نظامی نموده است که مثال و نمونه ی عمده ی آن عبارت از جهاد ملت افغانستان علیه قشون متجاوز انگلیس در سالهای (1839-1879 و 1919 میلادی) و همچنان، بر ضد تجاوز نظامی شوروی دیروز در دهه ی نود سده ی رفته میباشد.

البته بروفق توضیحات دینی ، مبارزه علیه سرکشی های نفس اماره را نیز میتوان جهاد نامید منتها " جهاد اصغر "

حال اگر از حشو و زوائد این مسأله بگذریم ، این سوال مطرح میشود که چرا آقایان هنوز هم بجان واژه ی جهاد که همان جنگیدن و غزوه کردن مسلمین در برابر کفار است ، دو دسته چسبیده و آنرا هر صبح و شام علم میکنند، به رخ مردم ما میکشاند و از نظر سیاسی و اعتباری، همیشه در پناه آن سنگر می گیرند؟

و باز، تفاوت میان جهادخواهی و جهاد دوستی فهیم خان و اسماعیلخان و سیاف و گلبدین و امثالهم با جهاد بازی های گروه طالبان و کرنیل ها و مفتی های پاکستانی در کجاست؟ زیرا، آنها هم پیوسته جهاد میگویند و اینها هم .

ملاهای دیوبندی، مفتی های سلفی - وهابی و تروریست پروران نظامی پاکستان به این بهانه که در افغانستان هنوز کفار حضور دارند و " اسلام در خطر است " ، بدون آنکه به حال زار مالی و اجتماعی، به فساد مالی و سیاسی دولتی و ابتذال مشهود اخلاقی و بی اعتباری های بین المللی خویش التفاتی داشته باشند، پیوسته افراد و گروه های چرگین و پشم آلود و بمب گذار و تفنگ بدوش را بسوی سر زمین بخون و خاکستر نشسته ی ما می فرستند که بازتاب دهشتناک آنرا مردم ما از چندین سال به اینسو می نگرند و با گوشت و پوست خویش لمس میکنند.

شیوه ی جهاد گری و جهاد خواهی رهبران تنظیم های اسلامی - افغانی را هم مردم غمدار ما ظرف سالهای گذشته دیدند و لمس کردند که نیاز به تحلیل و تفصیل بیشتر نخواهد داشت.

حالا، آقایان جهادگران دیروز و قدرتمندان و دولتمداران امروز دیروز ما از براه انداختن تحرکات و تبلیغات دامنه دار جهاد گرایانه ی انقیادی و انحصاری در کابل و هرات و جا های دیگر، چه میخواهند؟

اگر منظور آنها جهاد مسلمین علیه کفار باشد، نه تنها خودشان با کفار اختلاط مالی و سیاسی و اطلاعاتی عمیق یافته اند، بلکه کفار را خود، با همه ی ساز و برگ مالی و نظامی آنان به افغانستان دعوت کردند، از آن ها حمایت بعمل آوردند و کفار هم از آنان دلجویی و پرستاری نمودند. چنانکه این رهبران جنگ و جهاد در پناه همین نیرو های نظامی کفار به حد کافی به آب و نان و قدرت و مکننت بی سابقه رسیدند. آیا همین عبدالرسول سیاف، در همان وهله ی اول اقدامات امریکا پس از یازدهم سپتمبر، مبلغ یکصد هزار دالر امریکایی بصورت نقده از دست امر گروپ (سی آی ای) بنام " گری شرون" در گلبهار حاصل نکرد؟ آیا در برابر چنین مزد نقدینه، از همین گروپ امریکایی دستور نپذیرفت؟

حال، اگر میخواهند با چنین فریاد ها و دعوت کردنها ی جهاد گرایانه، برضد گروه های مسلح تروریستی و دسته های انفجاری و انتحاری عربها و پاکستانیها بخاطر نجات افغانستان مبارزه نمایند، چرا بجای چسبیدن به واژه ی جهاد، به تبلیغ گسترده و صادقانه در راه بسیج ملی و مقاومت آزادیخواهانه ی ملت افغانستان در برابر اسارت سیاسی و مصیبت عظیم تروریستی نمی پردازند؟

آیا فرزندان دلیر و فدا کار و آزادی دوست افغانستان نبوده و نیستند که هرگاهی که از آنها دعوت به مبارزه و مقاومت و جنگیدن و مسلح شدن در برابر تجاوز و تعرض بیشرمانه ی خارجی صورت گرفته، بدون اندکترین ترس و تعلل به مبارزه ی مرگ و زنده گی پرداخته و تا پای جان در این راه ایستاده شده اند؟

آیا باز هم همین فرزندان دلیر سرتاسر افغانستان، (خارج از حلقه ی تنگ جهادی و تنظیمی) نخواهند بود که باز هم در تحت بدترین و مختنق ترین شرایط، نه بخاطر رسیدن به مال و جاه و قدرت، بلکه فقط بخاطر نجات مادر وطن از چنگ شیاطین متجاوز، رهنان و قاتلان صادر شده از خارج بیا خواهند خاست؟

آیا تا امروز کسی یا منبع صلاحیتداری از آن ها بخاطر دفع تجاوزهای مختلف ایرانی و پاکستانی و... دعوت بعمل آورده است؟ آیا رییس دولت کنونی افغانستان، از برادرگفتن قاتلان و جنایتکاران منصرف شده؟ آیا بجز به اصطلاح جهادگران سابق، کس دیگری توان و تمایل دفاع از مادر وطن را ندارد؟ و اگر چنین است، پس اینهمه جهادگران زنده مانده و به نان و نوا رسیده درمقابل خونریزی های " برادران" طالبی و عربی و پاکستانی چه اقدام عملی را انجام داده اند؟

از آقایان جهادگر باید پرسید که اگر آرزو ندارید هنوز هم در پناه نام جهاد و جهادیه امتیازات بیشترمالی و سیاسی و امنیتی بدست آورید، اگر در نظر ندارید، با چسبیدن به واژه ی تحریک آمیز " جهاد"، شور و فریاد تلخ مردم ما علیه اعمال گذشته و حال تان را خاموش نگهدارید، اگر واقعاً میخواهید در راه نجات مادر وطن از دام توطئه ها و خونریزی های همه روزه ی دشمنان ملت گامی بردارید، چرا بجای مجاهدین سابق، از همه ی ملت افغانستان ساکن در شمال یا جنوب، در شرق و یا غرب کشور دعوت عمومی بعمل نمی آورید تا آماده ی جنگ و مقاومت تازه علیه دشمنان سوگند خورده ی داخلی و خارجی خویش گردند؟ آیا ترک عادات کهنه ی جهادی در تحت شرایط امروز، تطهیر نفس از اضافه خواهیهای مالی و سیاسی و پیشقدم شدن در صف مبارزه علیه شیاطین عربی و عجمی را از خود تان آغاز کرده اید؟

چرا رییس دولت تان را وادار نمیسازید تا از معامله گری و ملاحظه کاری و بی مسوولیتی در قبال رویداد های خونین کشور بگذرد و به صدای عمومی لبیک گوید؟ چرا در صورتیکه رییس تان هنوز هم چنین تقاضای ملی و میهنی را نپذیرد، از پُست ها و کرسی های دولتی تان استعفا نمی دهید؟

و بالاخره، شما که در کرسی های بلند نشسته، از امتیازات وسیع آن مستفید هستید و گویا عشق به آزادی میهن تان دارید، چرا با تبلیغات و فریاد ها و افشاگریهای مستند خویش، مشت و طنفروشان و معامله گران را باز نمیکنید؟

چرا هنوز که هنوز است همیشه و پیوسته در اطراف حلقه های کوچک قومی و تنظیمی و جهادی خویش می اندیشید نه در اطراف مجموع افغانستان و ملت بی پناه آن؟

آیا ملت دغدار و سرکوب شده و نالان افغانستان، دیگر به ژست ها و گفتار ها و کرشمه های تان ولو در لا به لای صد ها نسخه ی متبرک پیچیده شده باشد، باور خواهند داشت؟

آقای سیاف باید بداند که ملت آزادانه ی افغانستان، حتا در مواقعی که جهاد و جهاد گری هم مطرح نبوده، دین و وظایف اخلاصمندانه ی شان در برابر مادر وطن را با نشان دادن قیام ها و دلیری ها و رزمیدن های جانانه در برابر استبداد و بی عدالتی و تهدید و تجاوز انجام داده و سالهای دیگر هم شما به اصطلاح جهادیها باشید یا نباشید، چنین خواهند کرد. یعنی، تاریخ افغانستان مشحون و مزین از شهادت ها و دلیری ها و آزاده گیهای سرشار ملت عزیز مان بوده و در آینده نیز خواهد بود.

آقای سیاف! مطمئن باشید مردم افغانستان با برخورداری از خرد ذاتی شان و چشمدید ها و تجارب تلخ چندین ساله یی که دارند، در قضاوت ها و شناخت های خویش از ماهیت جنگسالاران و خاینان و جنایتکاران اشتباه نمیکنند! (پایان)

